

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

انجنیر محمد هاشم رائق
ورجنیا- اضلاع متحده امریکا
23 جنوری 2012

بند دست

سروده زیبای شاعر توانا و پرکار، برادر بزرگوارم محترم تیموری صاحب، تحت عنوان فوق، مرا به یاد آورد که به همین مناسبت من هم نوشته ای داشتم که در همان زمان محترم استاد "اسیر"، فخرالشعرا ء، جواب لطف نموده بودند. ذیلاً تقدیم است.

چه گویم من ز انصاف زمانه	"اسیر" را دست شکست از بند و شانه
شکستی دست خود اما دل ما	فگندی شهر دل را شور و غوغا
چه سان شعرت نویسی تو به آن دست	بود تشویش زان دست و ازان شست
چو شعر تو بود ما را غنیمت	الهی باشی با دوستان سلامت
ببین سیر کمال روزگاران	پناه جوییم به ذات پاک یزدان
یکی آن دست که با انگشت الفت	نوازش داد جهان را با مروت
یکی آن دست که جنباند گهواره	نوابغ پرورد در هر زمانه
یکی دستی چو دست شاعر ما	"اسیر" عشق، رفیق ماهر ما

بکن رائق فغان از دست دوران

نـداد دستی به دست رادمردان